

## جنبش سراسری کارگران بیکار و اخراجی و قراردادی را برپا داریم!

در نفس تشکل کارگران به صورت طبقه به عنوان فوری‌ترین و ضروری‌ترین نیاز طبقه کارگر ایران تردیدی نیست. همچنین، در این نیز شکی نیست که ستون‌های اصلی این تشکل باید در محیط‌های کار پی‌افکنده شوند، چرا که پیش از هر چیز در محیط‌های کار است که کارگران می‌توانند با فشردن گلوی سرمایه و نمایش قدرت طبقاتی خویش تهاجم بی‌امان سرمایه به سطح معیشت توده‌های کارگر را مهار و خواست‌هایی چون افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار و نظایر آن‌ها را به سرمایه و عوامل آن تحمیل کنند.

اما، به همان اندازه که در موارد بالا تردیدی نیست در این نکته که آیا نقطه عزیمت فعالان کارگری برای سازماندهی کارگران ایران باید ایجاد تشکل‌های محیط کار باشد، جای تردید است. دست کم دو مورد را در دو سه سال اخیر می‌توان برشمرد که در آن‌ها تلاش فعالان کارگری برای ایجاد تشکل محیط کار ناکام مانده است. مبارزه کارگران شرکت واحد برای ایجاد سندیکا سرکوب شد و هم‌اکنون جز جمعی از فعالان اخراجی این سندیکا که حول خواست بازگشت به کار - و طبعاً نه ایجاد سندیکا -

همچنان به تجمع خود ادامه می‌دهند، چیزی به عنوان سندیکای کارگران شرکت واحد وجود ندارد. کارگران شرکت نساجی پرریس در سنندج نیز می‌خواستند تشکل محیط کار خود را - آن هم به صوت انجمن صنفی مندرج در قانون کار - به وجود آورند، اما سرکوب شدند و نماینده و چند تن دیگر از آنان اخراج شدند.

بنابراین، باید اعتراف کرد که بورژوازی و دولت مدافع آن در سرکوب حرکت کارگران شرکت واحد و پرریس برای ایجاد تشکل در محیط کار موفق عمل کرده است. اما آیا اگر بدنه کارگری حرکت فعالان و نمایندگان بازداشت شده و اخراجی خود را ادامه می‌داد، بورژوازی باز هم می‌توانست این‌گونه مانع ایجاد تشکل در محیط‌های کار شود؟ روشن است که پاسخ، منفی است. پس، باید پرسید که چرا در این محیط‌های کار بدنه کارگری حرکت فعالان و نمایندگان خود را ادامه نداد؟ در پاسخ به این پرسش، عوامل بسیاری را می‌توان برشمرد. اما، با توجه به کابوس وحشتناک بیکاری در جهنم بی‌حقوقی مطلق سرمایه‌داری ایران، تردید نمی‌توان کرد که از میان این عوامل نقش اخراج و از دست دادن کار از همه تعیین‌کننده‌تر است. این نکته نیز البته نیاز به توضیح ندارد که بدنه کارگری - به دلایل مختلف - همچون فعالان و پیشروان کارگری آمادگی پرداخت هزینه گزافی چون اخراج و بیکاری را ندارد. در اوضاعی که پیدا کردن کار، حتی با بی‌حقوق‌ترین شرایط، برای اکثریت کارگران بیکار به رؤیا بدل شده، حتی زندان برای کارگران قابل تحمل‌تر از اخراج و بیکاری است. این است آن عامل اصلی که کارگران شاغل به ویژه کارگران رسمی را مجبور می‌کند که از مبارزه برای ایجاد تشکل در محیط کار پا پس بکشند یا حداقل بسیار دست به عصا عمل کنند، بگذریم از این که پیامد این مبارزه محدود به اخراج صرف نمی‌ماند و، علاوه بر اخراج، کارگران را گرفتار زندان و محرومیت‌های دیگر نیز می‌کند. اما تأکید می‌کنم که در

اوضاع کنونی و برای انسان‌های شریفی که نمی‌خواهند برای سیر کردن شکم خود و خانواده‌خویش به انواع و اقسام تبه‌کاری‌های ناشی از نظام سرمایه‌داری آلوده شوند، اخراج و بیکاری حتی از بازداشت و زندان‌های مخوف نیز هولناک‌تر است.

هم‌اکنون در ایران چیزی حدود ۷ میلیون بیکار وجود دارد و از جمعیت کارگران شاغل نیز ۸۰ تا ۹۰ درصد به کار موقت مشغول‌اند، به طوری که هر لحظه در معرض پیوستن به ارتش عظیم ذخیره‌کار قرار دارند. برای پی بردن به عمق و ابعاد بی‌سابقه توحش سرمایه‌داری در ساقط کردن طبقه کارگر از هر گونه موجودیت انسانی فقط کافی است بدانیم که بیکاری نه فقط ارزش نیروی کار را به پایین‌ترین حد ممکن رسانده بلکه قیمت کلیه را نیز در بازار کاهش داده است! اما اگر کارگر بیکار مجبور است کلیه‌اش را به ثمن بخش بفروشد، قلب‌اش را اصلاً نمی‌تواند بفروشد. این قلب همچنان در سینه اوست و اتفاقاً بسیار بیش از زمانی که شاغل بود می‌تپد. برای پی بردن به این که هم‌اکنون قلب جنبش کارگری ایران بیش از آن که در میان کارگران شاغل رسمی بتپد در میان کارگران بیکار و اخراجی و قراردادی می‌تپد نیازی به آمار و ارقام نیست. هر ناظری که حتی کارگر و فعال کارگری هم نباشد از خلال اخبار رسانه‌ها و مشاهدات روزانه خود می‌تواند حضور این قلب تپنده را در تجمع‌ها، تحصن‌ها، راه‌پیمایی‌ها، جاده بستن‌ها و گروگان‌گیری‌های میلیون‌ها کارگری که برای دریافت حقوق معوقه و بازگشت به کار صورت می‌گیرد، احساس کند. همین واقعیت قاطع و انکارناپذیر است که راه ایجاد تشکل کارگری را به فعالان کارگری نشان می‌دهد. هم‌اکنون ده‌ها کارخانه بزرگ و کوچک را می‌توان برشمرد که بالفعل درگیر مبارزه برای دریافت حقوق‌های معوقه، راه‌اندازی تولید و بازگشت به کار هستند. این حلقه‌های پراکنده را باید به هم مرتبط کرد و از دل این ارتباط جنبش

## ۱۰ / علیه کارِ مزدی

سراسری کارگران بیکار و اخراجی و قراردادی را برپا داشت. ایجاد  
تشکل‌های محیط کار و در نهایت تشکل سراسری و ضد سرمایه‌داری  
طبقه کارگر ایران تنها با عزم از این جنبش امکان‌پذیر است.

گردآورنده و ویراستار

بهمن ۱۳۸۵